

یادداشت

حذف اصناف

نه ممکن و نه مطلوب

*سیدمحسن هاشمی**



نهاده‌ها و انجمن‌های صنفی واسطه‌هایی هستند بین مردم و حکومت؛ نهادهایی که نسبت به تجمیع، دسته‌بندی و اولویت‌گذاری نیازها و انتظارات اقشار مختلف مردم اقدام و ظرفیت‌سازی لازم را برای اداره درست و عادلانه جوامع بشری فراهم می‌کنند. نادیده انگاشستن این نهاده‌ها در جوامع امروزین و تصمیم‌گیری برای آنچه به اشتغال و زندگی و آینده آنان مربوط می‌شود بدون حضور موثر آنان، نه مکانی است و نه مطلوب. مورخان یکی از ویژگی‌های اساسی نظام شهری سرزمین‌های اسلامی و از جمله ایران را وجود گروه بزرگی از صنعتگران، کسبه و پیشه‌وران شهری دانسته‌اند که در گونه‌های حرفه‌ای متفاوت در آن فرهنگ سنتی اشتغال داشته‌اند. (اشرف احمد، نامه علوم انسانی ۱۳۵۳)

این مورخان منشاء نهادهای صنفی را (که پیشتر به آنها جماعت می‌گفتند) قرن سوم هجری یعنی دوره شکوفایی و رونق تجارت و شهرنشینی می‌دانند. در این دوران گروه‌هایی از صنعتگران و پیشه‌وران همزمان با رونق شهرنشینی در قلمروی اسلامی رشد و گسترش یافتند. این رشد و شکوفایی و ممارست در اداره جامعه ما به آنجا پیش می‌رود که این‌بطولحه در سفرنامه‌اش از سر دسته‌های پیشه‌وران و صنعتگران اصفهانی یاد کرده است. ژریر که درباره اصناف شهر بورسه (در امپراتوری عثمانی) پژوهش کرده است می‌نویسد در قرن ۱۷ میلادی قراردادهای کاری میان اصناف کاملاً دارای اعتبار حقوقی بود و صرفاً برای تصدیق امضای طرفین نیازمند تایید قاضی بود. همچنین هنگامی که عضو صنفی مرتکب تخلف می‌شد تنبیه و مجازات وی با ماموران دولت بود که ضمانت اجرای مقررات را برعهده داشتند. از آن طرف هم دولت وظیفه تنظیم تجمع مالیاتی را به اصناف محول می‌کرد.(همان)

در ایران امروز اما اصناف را در مطالعات تاریخی دوران‌های جنبش مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی می‌توان باز شناخت. پس از انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۹ قانون نظام صنفی در تیرماه ۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب رسید و اتاق‌های اصناف پیشین را منحل اعلام کرد و شورای اصناف را جایگزین آنها کرد. البته آخرین اصلاحیه‌های سازمان نظام صنفی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید. در این میان اما سازمان نظام پزشکی که پیشتر در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده بود و طی این سال‌ها با هشت اصلاحیه و در آخرین آن در سال ۱۳۸۳، به بازساخت خود پرداخت. سازمان نظام پرستاری نیز در سال ۱۳۸۰ با تصویب قانون به موجودیت صحت صحت گذاشت. پیشتر از آن نیز سازمان نظام مهندسی ساختمان در سال ۱۳۷۱ با تصویب مجلس شورای اسلامی برای این‌ظمنظمی به فعالیت‌های ساختمانی و مهندسی تشکیل شده بود.

وجود چنین ساختارهایی در نظام‌های اجتماعی ایران اسلامی، ناشی از درک این واقعیت صواب است که در جهان امروزین با تعدد و تنوع خاستگاه‌ها و انتظارات، جز با توسعه انواع مشارکت و انتقال انتظارات و دیدگاه‌ها به شیوه‌ای فاعل‌پندنی شده و روشمند برای اداره جامعه به منظور پیشبرد رفاه و فضیلت آدمیان میسر نیست. بر همین درک استوار بوده است آنجایی که قانونگذار در سال ۱۳۸۲ طی قانون برنامه چهارم توسعه در عبارت دوم بند الف ماده ۱۱۶ دولت را مکلف کرده نسبت به استقرار نظام صنفی در بخش فرهنگ تا پایان سال اول برنامه، اقدام کند؛ کاری که تاکنون مغفول و معطل مانده است. البته دور از انتظار نیست که بخشی از دیوانسالاری متعصب دولتی (به دلیل بازستاندن بخشی از اختیارات و واگذاری آن به اهالی‌اش) تن به چنین واسپارایی ندهد. اما بر دستگاه‌های نظارتی(مجلس شورای اسلامی و سازمان بازرسی کل کشور) و نهادهای مدنی است تا با بروز و طرح مطالبات‌شان دستگاه‌های اجرایی را به تمکین در برابر قانون سوق دهند.^۱

نگارنده بر این باور است که استقرار نظام صنفی ^۲ در قلمرو فرهنگ در چهار عرصه و به طور متوازن می‌تواند راهگشای پیشبرد فرهنگ و هنر این سرزمین و نیز موجب رضایت خاطر اصحاب و ارباب معرفت باشد. الف- اختصاص کرسی‌های موثر نمایندگی اصناف فرهنگی هنری در مراکز تصمیم‌گیری (صدور مجوز تولید و نمایش و نشر)

ب- کوچک‌سازی دولت با فرو نهادن تصدی‌گری و با واگذاری امور به شاغلان و فعالان این عرصه پد- تصویب قوانین حمایت از حقوق مادی و معنوی پد-واروندن آثار به گونه نغری و متناسب با چرخه پیشرفت ارتباطات با بهره‌گیری در تدوین از نهادهای صنفی (به جای آیین‌نامه‌های سلیقه‌ای موجود) ت- تجمع یکپارچه حمایت‌ها در صندوق‌های حمایتی از نشر کتاب، سینما، موسیقی، نمایش و… با قبول حضور موثر نمایندگان اصناف یادشده در شوراهای تخصصی و کم‌تسهیلات با اعلان شفاف ضوابط برخورداری و اعلان ماهانه برخوردارشدگان از آنها.

پی‌نوشت‌ها:

۱- گرچه آن قسمت از قانون نیز که جنبه حمایتی دارد نظیر عبارت دوم همین بند که مشعر بر ضرورت تهیه لایحه اقدام کند؛ کاری که تاکنون مغفول و معطل است و نیز بند ب همین ماده قانون مبنی بر تکلیف دولت بر بیمه یکباری هنرمندان نیز با گذشت بیش از شش سال از زمان تصویب، محقق نشده است.

۲- استقرار نظام صنفی به منزله طراحی ساختاری غیردولتی برای مشارکت روشمند نهادهای مردمی در مداخله‌ها و تعیین مناسبات حرفه‌ای و حمایت از حقوق نامدی و معنوی دست‌اندرکاران

عصر روز ۱۸ مرداد اهالی سینما دور هم جمع

می‌شوند تا نگرانی‌شان را درباره وضعیت صنفی بیان کنند. در این روزها چهره‌های شناخته‌شده از بهرام بیضایی تا رخشان بنی‌اعتماد همه را به این حضور دعوت کرده‌اند. این گردهمایی تنها راه باقیمانده برای دست‌اندرکاران خانه سینما بوده تا بتوانند دولت را به یاد وظایفش ببیندازند و همکاران خود را از حقوق قانونی‌شان مطلع کنند. این گردهمایی قرار است فقط یک حرکت صنفی باشد نه هیچ چیز دیگر. با امین تارخ به عنوان رئیس ستادی که مسوولیت برگزاری این همایش را بر عهده دارد درباره جزئیات بیشتر و شائبه‌هایی که درباره این گردهمایی وجود دارد صحبت کردیم.

– چرا گردهمایی؟

تاکید ما این بوده است که این گردهمایی فقط یک رویکرد صنفی دارد. بحث عمده ما این روزها حول دو محور اساسی است؛ یکی امنیت شغلی که به قطع و یقین مهم‌ترین دغدغه ما برای گردهمایی درافتد و دیگری همیاری صنفی. می‌خواهیم اهالی سینما با حق و حقوق‌شان آشنا شوند و در جریان قرار بگیرند خانه سینما چه آیین‌نامه‌هایی مصوب کرده و چه فعالیت‌هایی انجام داده و چه دفترچه‌هایی برای مجلس و دولت تهیه کرده و فرستاده است.
– این امنیت شغلی که شما به عنوان عضو هیات‌مدیره خانه سینما بر آن تکیه دارید چطور تعریف می‌شود؟
هر آنچه باید شود آسایش روحی و روانی اعضا فراهم شود و از طرفی ثباتی به برخورداری‌های مادی و معنوی‌شان بدهد در این تعریف کلی ما از امنیت شغلی جا می‌گیرد. دغدغه خاطر تمام اعضای صنف همین دو مطلب است. هنگام تولید اثر سینمایی آسایش و آرامش ندارند و به نوعی خودشان را شریک و دخیل نمی‌دانند. چنان که با پایان فیلمبرداری یک اثر هر گونه ارتباط با گروه و فیلم قطع می‌شود. امیدواریم با این گردهمایی اعضا با حق و حقوق خود آشنایی پیدا کنند. برای همین هفت مولفه امنیت شغلی و تواناسازی منابع انسانی تعریف شده است.

– چه چیزهایی این امنیت شغلی را دچار مشکل کرده است؟

همین قدر که ما مستمری‌بگیری این حقوق اندکی می‌گیرند یا بیمه بازنشستگی تعداد زیادی در پایین‌ترین حد محکم است. همین قدر که هیچ کس در این صنف فکر نمی‌کند که عمرش را به عنوان سرمایه برای یک فیلم گذاشته است و احساس نمی‌کند سهمی از فیلم‌هایی که در آن حضور داشته‌ی، می‌تواند پس‌اندازی برای دوران از کار افتادگی‌اش باشد. همه این مسائل نشان از عدم آسایش روحی و روانی دارد و ی‌ثباتی را به دنبال داشته است. متأسفم که بگوییم ما دوستان همکاری داریم که حقوق معوقه ۱۲۰ هزار تومانی دارند یا بارها به دنبال بنی می‌آیند که تنها ۵۰ هزار تومان است. کسانی که سال‌ها پیش در چرخه سینما نقش داشته‌اند. کسی که حالا از کار افتاده بنا نیست حذف شود، قرار است به شکل تاریخی فکر کند خودش محترم شمرده می‌شود. اما این احترام ، وجود نداشته است. همه اینها باعث شد بحث امنیت شغلی مطرح شود. به علاوه اینکه دولت طبق برنامه چهارم توسعه موظف و مکلف است در زمینه استقرار نظام صنفی فعالیت کند، لایحه‌ای تدوین کند و این لایحه را حداکثر ظرف یک سال به اطلاع مجلس برساند. اکثر مشاغل نظام صنفی دارند مسائل‌شان را خودشان حل می‌کنند و دولت تنها نظارتی اندک دارد.

– در این زمینه هیات‌مدیره خانه سینما مذاکراتی هم با مسوولان و سیاستگذاران سینما داشته است یا راه‌حل گردهمایی را به انتخاب کرده است؟

تمام اینها به عنوان قانون نظام صنفی طی یک دفترچه تدوین‌شده به مجلس و دفتر ریاست‌جمهوری ارائه شده است. همین دفترچه با عنوان امنیت شغلی تحویل معاونت سینمایی نیز شده است. نامه‌ای آن را روز و شماره موجود است. اما چون هیچ اتفاقی نیفتاده است و چون در واقع بین تعطیلی خانه سینما و ادامه فعالیت‌ش قرار گرفته بودیم، این راه را انتخاب کردیم- تا پای مسوولیت‌مان به طور کامل

گفت‌وگو با امین تارخ

می‌خواهیم قانون را اجرا کنند

گیسو ففغوری



بایستیم. ما ۲۸ درصد از کل بودجه خانه سینما را از سال قبل دریافت نکردیم. برای امسال نیز ۸۰۰ میلیون تومان هزینه برآورد کردیم و در این روزها که پنجمین ماه سال است هیچ بودجه‌ای دریافت نکرده‌ایم. در شرایطی که حقوق معوقه کارکنان را داریم، ۲۵ میلیون

بدهی داریم و…

– یعنی مشکل شما فقط بر سر بودجه خانه سینما است؛ بودجه‌ای که باید معاونت سینمایی به شما بدهد؟

ما می‌گوییم معاونت سینمایی با بودجه دارد یا ندارد. ما آنقدر منصف هستیم که بگوییم مشکلات آنها را دریافت نکرده‌ایم. خب پس کیسه هم درک می‌کنیم. آنها می‌گویند ماه پنجم است و ما هنوز بودجه‌ای دریافت نکرده‌ایم. خب پس کیسه آنها اگر خالی نیست آنقدرها هم پر نیست. حرف ما این است که اگر پول دارند چرا نمی‌دهند و اگر پول ندارند بگویند ما به فکر منابع دیگر باشیم.

– چه منابعی؟ خب نمی‌شود به سراغش بروید؟

مثلاً از تهیه‌کننده‌های‌خواهیم هر کدام یکی دو روز از اکران فیلم خود را به خانه سینما اختصاص دهند. از بازیگران

بخواهیم درصدی از قراردادشان را در اختیار خانه سینما قرار دهند. از هر صنفی تقاضا کنیم چند درصد از بودجه خود را در اختیار خانه سینما قرار دهد. یا اصلاً دوستان ما موظف هستیم براساس تعهدی که به اعضای صنوف دادیم این اطلاعات را در اختیارشان قرار دهیم تا بداندن این حقوق را دارند و بخواهند این حقوق را به دست بیاورند.

– اها! کند.

– یعنی شما می‌خواهید در آن روز پول جمع کنید؟
نه تاکید ما همیاری صنفی است. نه تاکید ما همیاری صنفی به معنی گلزبان برای خانه سینمایی نیست. این واژه خط قرمز ما در هیات‌مدیره بوده است. بحث اصلی ما برای آن روز در قراردادش بنویسد که مثلاً فلان درصد حتی اندک از منافع این فیلم تا یک مدت برای من است. اتفاقاً این مساله نکته‌ای را از تجربیات خودم بگویم. در استرالیا دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود تعهد می‌کند تا چند سال بعد از پایان تحصیل و حضور در سینما درصدی را به دانشگاه بدهد. توجیه آن هم این است که او وقتی وارد دانشگاه شد فقط پول داشت اما دانشگاه این توانایی را در اختیارش قرار داد. به همین خاطر است که یکبارم مثلاً می‌شونم جرج لو کاکس ۱۷۵ میلیون دلار به دانشگاه از درآمد شخصی‌اش کمک می‌کند. او در تمام فیلم‌هایی که تولید کرده و کارگردانی کرده سهیم و شریک است.

آیا می‌الغی دریافت نکردید؟
ما نامه‌نگاری‌های متعددی داشتیم. بنیاد فارابی در قبال ۲۵ میلیون تومان دریافتی، ۲۵ میلیون تومان چک

از ما گرفت. یعنی به ما قرض دادند. با این مبلغ مشکلی حل نمی‌شود، که البته بعد آقای عسگرپور از چند نفر از تهیه‌کننده‌ها مبلغی را قرض گرفتند.

– با این توضیحاتی که شما درباره این هفت بند امنیت شغلی دادید به نظر می‌رسد می‌خواهید یک جور انتقال قدرت به خانه سینما داشته باشید.

ما نمی‌خواهیم. قانون می‌خواهد. برنامه چهارم توسعه بر تشکیل سازمان سینمایی مصر است و دولت را مکلف می‌کند تا یک سال نظام سینمایی به عنوان نظام صنفی مستقر شود. این چیزی است که قانون و مسوولان امر در برنامه چهارم توسعه دولت را به آن مکلف کرده‌اند. ما نمی‌خواهیم قدرت را در دست بگیریم. می‌خواهیم آن چیزی که مصرانه از دولت خواسته شده تحقق پیدا کند. ما می‌خواهیم نظام سینمایی استقرار پیدا کند تا مسوولیت فعالیت‌های سینمایی را یک نهاد صنفی بر عهده بگیرد. ما به دنبال کسب قدرت نیستیم، ما به دنبال تحقق یافتن این حق و اجرا شدن قانون هستیم.

– فکر می‌کنید این اتفاق اجرایی شود؟

تمام این مطالب کلیتی است که می‌تواند هنگام عملی شدن ساز و کار خود را پیدا کند. هنگامی که این بحث‌ها تبدیل به قانون شود همه موظف به اجرای آن هستند. دیگر بحث سلیقه در بین نیست. صحبت از قانون نظام سینمایی است. هنگامی که تبدیل به قانون شود دیگر کسی نمی‌تواند آن را انجام ندهد. بخش عمده این مطالبی که در طرح تأمین امنیت شغلی آورده شده، نکات من‌درآوردی هیات‌مدیره نیست. نکاتی است که از برنامه چهارم توسعه، از مصوبه‌های هیات وزیران و دیگر متون قانونی استخراج شده است. از تصمیم‌گیری‌های خود دولت است. قوانین وجود دارد اما اجرا نمی‌شوند. در واقع ما اینجا را یادآوری می‌کنیم.

– پس خطاب‌تان در این گردهمایی به سوی دولت است؟

هم به دولت و هم به دوستان همکار صنف سینما. تا آنها هم از حقوق قانونی‌شان مطلع شوند و در جریان قرار گیرند. بسیاری از اعضای صنف سینما آن‌طور که هیات‌مدیره از این مقررات اطلاع دارند و دفترچه تدوین کرده‌اند ناخبر نیستند. ما موظف هستیم براساس تعهدی که به اعضای صنوف دادیم این اطلاعات را در اختیارشان قرار دهیم تا بداندن این حقوق را دارند و بخواهند این حقوق را به دست بیاورند.

– برخی از نکته‌هایی که در هفت بند امنیت شغلی گفته شده این شائبه را به وجود می‌آورد که فقط اعضای خانه سینما حق حضور در سینما را دارند.

اتفاقاً برای اینکه این سوءتفاهم پیش نیاید طراحی انجام شده است که همه چیز به صورت ضابطه‌مند اتفاق بیفتد. به طوری که حضور هر فرد جدید همراه با حمایت جوانی که می‌خواهند وارد این عرصه شوند ایجاد مشکل می‌کند. اینها به دلیل است است که ما در این زمینه به یک استاندارد خاص نرسیده‌ایم. اگر در هر رشته تخصصی هنر به این استاندارد لازم برسیم این مشکلات پیش نخواهد آمد. با این شرایط موجود ما هیچ تعریفی از امنیت شغلی نداریم. زمانی که فرد هنرمند دیگر کار نمی‌کند باید با او همکاری مالی شود و این وظیفه‌های ما شاهد این هستند که او را در زمان بیکاری تأمین کنند. سینما یک صنعت است اما کار هنری مختص یک فرد است. چرا باید شرایط طوری باشد که هنرمندان ما در اواخر عمر که از کار افتادند تأمین مالی نداشته باشند و اکثر آنها در وضعیت بد مالی سر کنند. در رشته‌های مختلف هنری ما شاهد این هستیم که وقتی یکی از هنرمندان دچار گرفتاری یا بیماری می‌شود حتی اغلب همکاران او نیز ترکش می‌کنند. فقط گاهی مسوول یا شخصی خیر به او کمک می‌کند. در صورتی که اگر در حوزه ورزشی کسی دچار کمترین گرفتاری شود همه از او حمایت می‌کنند. ما هم باید این فرهنگ را داشته باشیم.

ما هم باید مادی برخورد کنیم. چرا که بازیگر نمی‌تواند در قراردادش بنویسد که مثلاً فلان درصد حتی اندک از منافع این فیلم تا یک مدت برای من است. اتفاقاً این مساله نکته‌ای را از تجربیات خودم بگویم. در استرالیا دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود تعهد می‌کند تا چند سال بعد از پایان تحصیل و حضور در سینما درصدی را به دانشگاه بدهد. توجیه آن هم این است که او وقتی وارد دانشگاه شد فقط پول داشت اما دانشگاه این توانایی را در اختیارش قرار داد. به همین خاطر است که یکبارم مثلاً می‌شونم جرج لو کاکس ۱۷۵ میلیون دلار به دانشگاه از درآمد شخصی‌اش کمک می‌کند. او در تمام فیلم‌هایی که تولید کرده و کارگردانی کرده سهیم و شریک است.

امین تارخ در جریان گردهمایی

امین تارخ در جریان گردهمایی

امین تارخ در جریان گردهمایی

امین تارخ در جریان گردهمایی

امین تارخ در جریان گردهمایی

نگاه

مشکل یکپار چه نبودن افراد است

علی سرتیپی



امنیت شغلی در سینمای ایران به طور ملموس وجود ندارد و این نکته خیلی ضعیف است. مفهوم سیاسی‌کاری در سینما به خصوص در بحث تولید اصلاً دیده نمی‌شود. حتی کسانی که بیمه هستند همیشه نگرانند که آیا ماه آینده پول آنها پرداخت می‌شود یا نه. البته این مشکل فقط به امروز مربوط نمی‌شود و بحث امنیت شغلی همیشه وجود داشته. هنرمندان باید در مقابل این مساله عکس‌العمل نشان دهند و برای گرفتن خواسته‌های بحق‌شان بایستند. یکی از دلایلی که امنیت شغلی مفهومی ندارد، یکپارچه نبودن افراد است. مثلاً در حوزه تهیه‌کنندگان هرگز یکدستی دیده نمی‌شود. به نظر من اگر یک صنف فعال و قوی داشته باشیم خیلی از این مشکلات را می‌توان حل کرد. صنف می‌تواند همه این بحث‌ها را مطرح کند و در راستای خواسته هنرمندان به رفع مشکلات آنها اقدام کند. در عین حال در چنین صنفی عملکرد باید فارغ از مسائل سیاسی باشد تا بتواند مفید باشد. در کشور ما که فرهنگی است و دولتی که داعیه فرهنگ دارد و به نوعی در همه ارکان سینما دست دولت در کار است، پس اگر دولت بخواهد می‌تواند در این رابطه هم نظارت داشته باشد. البته نظارت دولت باید با حمایت از هنرمندان همراه باشد.

□

نداشتن یک قانون مشخص و استاندارد محمدرضا لیاک

بحث امنیت شغلی بسیار پیچیده و مفصل است. طبیعی است که هر انسانی در هر رشته‌ای شغلی را انتخاب می‌کند که بداند آینده‌ای دارد. در عرصه هنر هم اگر تضمینی برای آینده وجود نداشته باشد اتفاق خاصی نمی‌افتد. بنابراین در این مورد باید به سازماندهی و قانونمندی درست برسیم. باید

قوانینی درباره امنیت شغلی وجود داشته باشد که با تغییر و تحولات سازمانی از بین نرود. این یک حق مسلم برای کسانی است که در کار هنر هستند. باید شرایطی فراهم شود که آنها بتوانند آینده‌ای برای خود تصویر کنند و علاقه‌مند به ورود در این کار شوند. بسیاری از پیشکسوتان ما دچار مسائل سخت اقتصادی هستند و این برای نسل جوانی که می‌خواهند وارد این عرصه شوند ایجاد مشکل می‌کند. اینها به دلیل است است که ما در این زمینه به یک استاندارد خاص نرسیده‌ایم. اگر در هر رشته تخصصی هنر به این استاندارد لازم برسیم این مشکلات پیش نخواهد آمد. با این شرایط موجود ما هیچ تعریفی از امنیت شغلی نداریم. زمانی که فرد هنرمند دیگر کار نمی‌کند باید با او همکاری مالی شود و این وظیفه‌های ما شاهد این هستند که او را در زمان بیکاری تأمین کنند. سینما یک صنعت است اما کار هنری مختص یک فرد است. چرا باید شرایط طوری باشد که هنرمندان ما در اواخر عمر که از کار افتادند تأمین مالی نداشته باشند و اکثر آنها در وضعیت بد مالی سر کنند. در رشته‌های مختلف هنری ما شاهد این هستیم که وقتی یکی از هنرمندان دچار گرفتاری یا بیماری می‌شود حتی اغلب همکاران او نیز ترکش می‌کنند. فقط گاهی مسوول یا شخصی خیر به او کمک می‌کند. در صورتی که اگر در حوزه ورزشی کسی دچار کمترین گرفتاری شود همه از او حمایت می‌کنند. ما هم باید این فرهنگ را داشته باشیم.

ما هم باید مادی برخورد کنیم. چرا که بازیگر نمی‌تواند در قراردادش بنویسد که مثلاً فلان درصد حتی اندک از منافع این فیلم تا یک مدت برای من است. اتفاقاً این مساله نکته‌ای را از تجربیات خودم بگویم. در استرالیا دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود تعهد می‌کند تا چند سال بعد از پایان تحصیل و حضور در سینما درصدی را به دانشگاه بدهد. توجیه آن هم این است که او وقتی وارد دانشگاه شد فقط پول داشت اما دانشگاه این توانایی را در اختیارش قرار داد. به همین خاطر است که یکبارم مثلاً می‌شونم جرج لو کاکس ۱۷۵ میلیون دلار به دانشگاه از درآمد شخصی‌اش کمک می‌کند. او در تمام فیلم‌هایی که تولید کرده و کارگردانی کرده سهیم و شریک است.

ما هم باید مادی برخورد کنیم. چرا که بازیگر نمی‌تواند در قراردادش بنویسد که مثلاً فلان درصد حتی اندک از منافع این فیلم تا یک مدت برای من است. اتفاقاً این مساله نکته‌ای را از تجربیات خودم بگویم. در استرالیا دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود تعهد می‌کند تا چند سال بعد از پایان تحصیل و حضور در سینما درصدی را به دانشگاه بدهد. توجیه آن هم این است که او وقتی وارد دانشگاه شد فقط پول داشت اما دانشگاه این توانایی را در اختیارش قرار داد. به همین خاطر است که یکبارم مثلاً می‌شونم جرج لو کاکس ۱۷۵ میلیون دلار به دانشگاه از درآمد شخصی‌اش کمک می‌کند. او در تمام فیلم‌هایی که تولید کرده و کارگردانی کرده سهیم و شریک است.